



## فهرست مطالب

۷	مقدمه.....
۱۳	آرام و باوقار در میان آتش.....
۱۵	تغییری در چهره‌اش مشاهده نمی‌شد.....
۱۷	نصرت خدا.....
۲۱	و ما رمیت اذ رمیت.....
۲۳	ابابیل و سپاه ابرهه.....
۲۵	خدا خودش درست می‌کند.....
۲۷	چطور می‌توانی در این موقعیت بخندی؟.....
۲۹	اگر مقدر نباشد، آتش هم گلستان می‌شود.....
۳۱	دویدن در میدان مین!.....
۳۳	رضای خدا.....
۳۵	دانستم از خدا جدا افتاده‌ام!.....
۴۳	بدون آب، خدا درستش می‌کند!.....
۴۶	تا خدا نخواهد، هیچ اتفاقی نمی‌افتد.....
۴۸	چون کوه استوار.....
۴۹	تکیه‌ی ما به امکانات نیست.....
۵۰	این خدا بود که هدایتمان کرد.....
۵۲	هر چه مشیت خدا باشد.....
۵۴	خدایا، خودت کمک کن.....

۵۶	راهکار رفع تشنگی!
۵۹	تسبیح صلوات
۶۰	دیدن خدا با ماست
۶۲	هرچه هست از جانب خداست
۶۵	چرا تخریبچی شدم؟
۶۶	آرامش الهی
۶۸	خدا به ما هم فرزندی می دهد
۶۹	دستتان را بدهید به دست خدا
۷۱	خانه‌اش در آخرت آباد است
۷۳	خدا خودش درست می‌کند
۷۵	راز غیبت او!
۷۶	من به دست صهیونیستها شهید می‌شوم!
۷۷	شما دیگر بر نمی‌گردید!
۷۹	ادامه می‌دهیم
۸۰	پس توکل چی می‌شود؟
۸۳	راحت و آرام نشسته بود!
۸۵	حلال تمام مسائل
۸۷	راهنمایی و عنایت حق تعالی
۹۱	اعتماد به خدا
۹۲	نگران نباش، توکل کن
۹۴	با خدا باشی کافی است
۹۵	منابع



## مقدمه

توکل عبارت است از اعتماد کردن و مطمئن بودن دل بنده در جمیع امور خود به خدا و حواله کردن همه‌ی کارهای خود را به پروردگار و بیزار شدن از هر حول و قوه و تکیه بر حول و قوه‌ی الهی نمودن. (۱)

در توضیح توکل گفته‌اند که امور بندگان بر دو نوع است. یک نوع اموری است که از وسع و قدرت انسان خارج است. در این امور بایستی کار را به رب‌الارباب حواله نمود که او به هر کاری تواناست. نوع دیگر اموری است که از قدرت انسان خارج نیست. در این نوع امور، بایستی اسباب انجام را به تمامی فراهم نمود ولیکن اعتماد او به سعی خود و اسباب و لوازم تهیه شده نباشد. بلکه اعتمادش به خداوند توانا و حکیم و مدبر الیل و النهار باشد. مهمل و بیکاره و بی‌برنامه بودن حرام است. توکل،

اطمینان قلب است به صاحب آسمان و زمین و آنچه در آنها و بین آنهاست. خواستن توفیق عمل خیر از عالم به خیر و شرّ عالم است. توفیق پرهیز از عمل شرّ است در جایی که تشخیص انسان در می ماند و یا به جمیع اطراف مسأله احاطه ندارد. توکل تکیه کردن به قدرت مطلق است که انسان را از همه بیشتر دوست دارد. او را آفرید تا رشد دهد و به کمال و ابدیت راهنمایی نماید. و فرمود:

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ (۱) آیا خداوند کفایت بنده اش را نمی کند؟

قطعاً هر کس که به او تکیه کرد، نصرت و یاری او را دید و لمس کرد.

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ (۲) و هر که به خداوند متکی شد، پس خدا او را بس است.

این یقین، انسان را از اضطراب، خوف، نگرانی و تشویش می رهاند. آرامش، اطمینان خاطر و نگاه مثبت و امیدوار به آینده دستاوردهای توکلند. پشتوانه‌ی به این عظمت - که لیس کمله شیء - با آن توانمندی و زیبایی و محبت، انسان را از هر تکیه گاه دیگری بی نیاز می کند.

رزمندگان شجاع و شهید دفاع مقدّس به حقیقت

---

۱ - سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۳۶.

۲ - سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ۳.

توکل باور داشتند. به مرتبه‌ای رسیده بودند که در عین بکارگیری عقل و تدبیر و ابزارهای در اختیار، هیچ امری را بدون خواست او محقق نمی‌دانستند و تمام امر خود را به او تفویض کرده بودند.

أَفُوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ. (۱)

من کار خود را به خدا وا می‌گذارم که او به بندگانش بیناست.

واقعاً امورشان را به خدا تفویض کرده بودند. تلاش خود را با تمام قوت و دقت به عمل می‌آوردند و اعتقاد داشتند که:

وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (۲). بدرستی که انسان جز آنچه تلاش می‌کند، به دست نمی‌آورد.

اما نتیجه را تابع خواست و اراده و حکمت خداوند قرار می‌دادند. آنچه او پیش می‌آورد می‌پسندید و دوست داشتند و می‌دانستند که:

عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا، وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ (۳).

چه بسیار می‌شود که شما چیزی را ناگوار شمارید لیکن خیر و صلاح شما در آن باشد و چه بسا چیزی را دوست دارید که در واقع شرّ و فساد

---

۱ - سوره مؤمن، آیه ۴۴.

۲ - سوره نجم، آیه ۳۹.

۳ - سوره بقره، آیه ۲۱۶.

شما در آن است.

و این مقتضای نقص‌ها و کمبودهای انسان است و توکل این نقص‌ها و کمبودها را با کمال مطلق جبران می‌کند و او را به بهترین و بالاترین‌ها راهبری می‌نماید.

می‌جنگیدند، چون تکلیفشان بود. آموزش می‌دیدند و آن را سخت و منظم انجام می‌دادند، چون وظیفه‌شان بود. شناسایی می‌کردند و همه‌ی راهکارهای وصول به دشمن و پیروزی را بررسی می‌کردند، چون مسؤولیتشان چنین اقتضا می‌کرد. با تمام محبت و امکانات به نیروها رسیدگی می‌کردند و روحیه‌ی آنها را بشاش و امیدوار می‌ساختند، چون خود را متعهد به آنها می‌دیدند. با شجاعت و شهامت جان را در طبق اخلاص گذارده و لحظه‌ای درنگ در مقابله‌ی با دشمن نمی‌کردند، چون جنگ یعنی همین. اما در عین حال دلشان به لطف خدا خوش بود و نگاهشان به نصرت او امیدوار بود و گامهایشان به اطمینان رضایت او استوار بود. هم رعایت همه‌ی اصول و قواعد و برنامه‌ریزی و دقت، و هم اطمینان و تکیه به ارباب هستی. و این دومی، آن اولی را معنا و مفهوم و محتوا می‌بخشید و گرنه آن اولی را دشمن بعثی هم داشت، ولی بدون توکل،

پوچ بود و شکست خورده، و جبهه‌هایش فاقد نور  
معنویت و فوز عظیم شهادت و صدای بالهای  
ملائکة الله بود.

چه صحنه‌های زیبایی در جبهه‌های نور علیه  
ظلمت، تجسم یافت و چه لحظه‌های به یادماندنی و  
حماسی از تکیه‌ی بر خدا و تسلیم اراده و خواست  
حق تعالی بودن، جلوه یافت.

این صحنه‌ها و لحظه‌ها، همه درس است برای  
آنان که طریق هدایت و رستگاری را طالب‌اند و دل  
در گرو راه شهیدان دارند. باید در این صحنه‌ها  
حاضر شد و آن لحظه‌ها را دریافت تا به این بهره‌ی  
عظیم رسید. توشه‌ای که دارنده‌اش را تا به سر منزل  
مقصود و نگاه به وجه‌الله می‌رساند. بخش کوچکی از  
این صحنه‌ها و لحظه‌ها در این مجلد از رسم  
خوبان‌ها گردآوری شده است تا روح خواننده را  
لبریز کنند از اعتماد به خداوند که: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
الْمُتَوَكِّلِينَ (۱).**

مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت